

## عنوان مقاله:

بابل و هاروت و ماروت در قرآن حکیم و مازندران در شاهنامه فردوسی

## محل انتشار:

سومین کنفرانس بین المللی شرق شناسی - فردوسی و فرهنگ و ادب پارسی (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

## نویسندگان:

سید جواد خاتمی - عضو هیات علمی دانشگاه حکیم سبزواری، استادیار

سیده سمیه خاتمی سبزواری - عضو هیات علمی گروه معارف دانشگاه حکیم، استادیار

## خلاصه مقاله:

قرآن کتاب آسمانی و وسیله هدایت انسانها به سوی خداوند است، به همین دلیل هم از روش های مختلفی برای امر هدایت انسان استفاده می نماید، یکی از این راهها از طریق امر به سیر و سیاحت در زمین می باشد، یکی از مکان هایی که به شکل صریح در قرآن اسمی از آن برده شده و همین ذکر و نام آوری حاوی پیام های بسیاری می باشد «بابل» است. شاخصه اصلی بابل در قرآن کریم، شهرت به سحر و جادو و وجود دو فرشته ابطال کننده سحر به نام های هاروت و ماروت است. این مقاله به بررسی مقایسه ای در بکار بردن این دو واژه در قرآن کریم و شاهنامه می پردازد و به این سوال پاسخ می دهد که آیا وجه شباهتی بین بکارگیری علت استفاده از بابل در قرآن و شاهنامه وجود دارد یا خیر، و آیا می توان مازندران در شاهنامه را که شهری پر از جادو بوده است همان بابل قرآن در عراق نام نهاد. با شناخت وضعیت بابل به عنوان یک شهر بزرگ با سابقه طولانی سحر و جادو در آن، می توان مکانی را با اتفاقاتی مشابه بابل عراق در طول تاریخ دو هزار ساله آن در شاهنامه مشاهده نمود، اما مطلب حائز اهمیت در اینجا آن است که نام این شهر در شاهنامه «مازندران» قید شده است در حالی که وجود سه دلیل می تواند شاهد بر این باشد که در اینجا مازندان مراد نیست و بلکه این اتفاقات به شهر بابل عراق اشاره دارد و همتراز بودنش با نام رودخانهی باؤل موجب گردیده است که این منطقه را به اشتباه همان «بابل» نام برده در قرآن بدانند.

## کلمات کلیدی:

بابل، بابل، مازندران، قرآن حکیم، شاهنامه

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1169841>

